

Determining the Effective Components in Designing the Pattern of Convergency or Integration of Islamic Financing System (Khums and Zakat) and Conventional Tax and Providing a Model

AbdolMohammad Kashian *

Received: 10/06/2015

Ahmad Shabani **

Accepted: 26/12/2016

Mohammad Mahdi Askari ***

Abstract

Designing the pattern of convergency or financing system (khums and Zakat) and conventional tax was one of the most important issues after Islamic revolution of Iran. The social, political, cultural, philosophical, juridical and economic dimensions of the issues make it so complex. Researchers have introduced several mechanisms for the integration of this two systems, and each of them have different advantages and disadvantages. This article demonstrates designing the pattern of integration requires a minimum of 6 component. 4 components are related to the field of Islamic financing and collecting taxes and 2 is also related to the field of consumption component that includes tax and Zakat and khums usage type and the structure of its uses. This component with each other prepare several patterns in the field of designing the pattern. This article introduc a pattern of convergency or integration of Islamic financing system (khums and Zakat) and conventional taxes as an example.

Keywords

Tax, Zakat, khums, Integrating, Pattern.

JEL Classification: H21, H22.

* Assistant Professor of Semnan University, Semnan, Iran (Corresponding Author),
a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

** Associate Professor of Imam Sadiq University, Tehran, Iran, Shabani@isu.ac.ir.

*** Associate Professor of Imam Sadiq University, Tehran, Iran, askari@isu.ac.ir.

تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران و ارائه یک الگو

عبدالمحمد کاشیان*

احمد شعبانی**

محمد مهدی عسکری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۵۵ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

طراحی الگوی یکپارچه‌سازی یا همگرایی نظام منابع مالی اسلامی (خمس و زکات) و مالیات‌های متعارف یکی از مسائل مهمی است که در راستای نظام‌سازی اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی کارشناسان و صاحب‌نظران بوده و فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که ریشه در مسائل فقهی و فلسفی نیز دارد، سبب شده است که این مسأله به موضوعی پیچیده تبدیل شود. محققان سازوکارهای متعددی را برای طراحی این الگو ارائه کرده‌اند که هر یک از آنها دارای ابعاد مختلفی است و مزایا و معایب متعددی دارد. بررسی‌های مؤلفین نشان می‌دهد که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی ۶ مؤلفه دارای اهمیت زیادی هستند که باید در مورد آنها تصمیم‌گیری شود. ۴ مؤلفه مربوط به حوزه جمع‌آوری منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف و ۲ مؤلفه نیز مربوط به حوزه مصرف است. از کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها، الگوهای متعددی در حوزه طراحی الگوی یکپارچه‌سازی ایجاد می‌شود که این الگوها می‌تواند مورد ارزیابی کارشناسان قرار گیرد. مقاله حاضر نمونه‌ای از این ساختارها را در قالب الگوی «جمع‌آوری منطقه‌ای وجوهات شرعی و مصرف در ماتریس سه‌بعدی مراجع تقلید، منطقه و وظایف» ارائه نموده و نشان می‌دهد این رویکرد چه نقاط مثبت و چه ابزارهای سیاستی را به همراه دارد. این الگو کارایی بسیار بالایی در یکپارچه‌سازی دارد و می‌تواند تأثیر مثبتی بر اثربخشی وجوهات شرعی در رفع فقر و گسترش فرهنگ دینی داشته باشد.

واژگان کلیدی

مالیات، زکات، خمس، یکپارچه‌سازی، الگو.

طبقه‌بندی JEL: H21.H22.

a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

shabani@isu.ac.ir

m.askari@isu.ac.ir

* استادیار دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

** دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

*** دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

مقدمه

از دیرباز زکات و خمس به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمد حکومت اسلامی مورد توجه بوده‌اند. به نص صریح آیات قرآن کریم، خداوند متعال پیامبر اکرم(ص) را مأمور به دریافت زکات نمودند (توبه: ۱۰۳) و ایشان از این درآمدها در جهت اموری که خداوند ایشان را مکلف کرده بود استفاده می‌کردند. به تعبیر روایات درآمدهای حاصل از زکات آنقدر زیاد بود و هست که می‌توان به‌واسطه آن فقر را از جامعه برطرف کرد و برای همه افراد در جامعه سطح متوسطی از زندگی را فراهم آورد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۳۰۴).

در ایران از آنجاکه قبل از سال ۱۳۵۷ حکومت اسلامی وجود نداشت، ساختارهای مالیاتی و اقتصادی جامعه براساس اسلوبی غیراسلامی پی‌ریزی شد و انقلاب اسلامی نیز این ساختارها را به ارث برد درحالی‌که هیچ توجهی به زکات و خمس نشده بود. از طرفی وابستگی بیش‌ازحد اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی سبب شد که دولت‌ها در ایران توجه چندانی به درآمدهای مالیاتی نداشته باشند. به‌همین سبب دولت‌مردان عمده برنامه‌ریزی‌های خود را بر درآمدهای نفتی استوار کردند. در سال‌های اخیر که بحث از کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی شده است همه اقتصاددانان و مسئولان تنها را چاره را تقویت نظام مالیاتی دانسته‌اند.

آنچه مسلم است این است که طراحی نظام مالیاتی برای یک جامعه اسلامی باید براساس اسلوبی اسلامی باشد تا به‌واسطه آن از زیاده‌پرداختی‌ها و پرداخت‌های موازی و وارد آوردن فشار بیش‌ازحد بر خانواده‌ها جلوگیری به‌عمل آید و از طرفی از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه نیز استفاده شود و مهم‌تر از همه اینکه به تکلیف الهی خود عمل نماییم. قابلیت درآمدهای اسلامی مانند خمس و زکات بسیار زیاد است که چشم‌پوشی از آنها جدا جای سؤال دارد. مخصوصاً اینکه تحقیقات تجربی نشان داده است که در سال‌های اخیر ظرفیت بالقوه خمس و زکات در جامعه ما از درآمدهای مالیاتی دولت بیشتر بوده است. از طرفی زکات و خمس برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است و بازتوزیع آن تا یک‌دهم می‌تواند ضریب جینی را کاهش دهد (کاشیان، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). لذا با توجه به پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی بالایی که در

جامعه مسلمانان نسبت به پرداخت خمس و زکات وجود دارد باید توجه زیادی به درآمدهای حاصل از خمس و زکات به‌عنوان دو ابزار مهم درآمدی دولت داشته باشیم. این مقاله نشان می‌دهد که طراحی الگوی یکپارچه‌سازی مستلزم آن است که حداقل درباره شش مؤلفه موضع‌گیری شود. ۴ مؤلفه مربوط به حوزه جمع‌آوری است که شامل نوع معافیت مالیاتی، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی و نوع مالیات مشمول تخفیف است. دو مؤلفه نیز مربوط به حوزه مصرف است که شامل نوع مصارف خمس و زکات و مالیات و ساختار مصارف آن است. هر یک از ابعادی که در اینجا مطرح گردید، سازوکارهایی را مطرح می‌کند که براساس آن می‌توان طراحی الگوی یکپارچه‌سازی را دچار تغییر کند. ساختار این تحقیق به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که از کنار هم قرار دادن نتایج هر یک از ابعاد مذکور، یک الگوی مجزا برای یکپارچه‌سازی به‌دست می‌آید. اینکه کدام الگو می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و برای مدیریت وجوهات شرعی و مالیات‌های متعارف در کشور مفید باشد و براساس آن سناریوهای مختلفی طراحی و تدوین می‌شود و هر یک از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

در حوزه الگوسازی برای زکات و خمس و مالیات تحقیقات متعددی صورت گرفته است هر یک از آنها به‌صورت مستقل به موضوعی خاص می‌پردازند؛ اما خلأ اساسی تحقیقات موردنظر این است که کمتر به‌صورت سیستمی و در قالب هدفی یکپارچه مدنظر قرار گرفته باشند. با این حال برخی از تحقیقات صرفاً به دنبال آن بوده‌اند که سازوکاری را برای حوزه‌های خمس و زکات در ایران مطرح نمایند که به مهم‌ترین آنها در این بخش اشاره شده است.

شعبانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ضمن آسیب‌شناسی رویکرد، به دنبال آن است که با توجه به ظرفیت مناسب و قابل قبول خمس و زکات، سازوکاری را طراحی نماید

که به واسطه آن اولاً ساختاری منسجم برای نظام مالیاتی مبتنی بر الگویی اسلامی ایرانی را طراحی نماید و ثانیاً به واسطه این ساختار، از زیاده پرداختی‌ها و پرداخت‌های بیش‌ازحد خانواده‌های فقیر جلوگیری به عمل آورد و ثالثاً از ظرفیت‌های فرهنگی کشور به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی استفاده نماید و نهایتاً اینکه در بعد مصارف منابع از پرداخت‌های ناصواب و چندگانه به برخی از خانوارها و محروم ماندن برخی دیگر از خانوارها اجتناب ورزد. از این رو پیشنهاد می‌دهد «مؤدی مشمول مالیات بردرآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس به ولی فقیه در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته‌شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.» بر اساس ساختار پیشنهادشده، ولی فقیه خمس را دریافت می‌کند، سازمان امور مالیاتی، مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند و معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات در نظر گرفته می‌شود.

هرچند پیشنهاد ارائه‌شده می‌تواند در حل پرداخت موازی مؤثر باشد، اما چند مشکل اساسی به شرح ذیل وجود دارد:

۱. با توجه به گرایش مردم به پرداخت خمس به مراجع، با اجرای این پیشنهاد، اولاً به حجم درآمدی حوزه‌های علمیه به صورت قابل ملاحظه‌ای افزوده می‌شود و ثانیاً درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌یابد. از آنجاکه محاسبات ظرفیت بالقوه خمس و زکات نشان می‌دهد که درآمد قابل توجهی است (کاشیان، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۶)، حتماً از منابع مورد نیاز حوزه‌های علمیه فراتر خواهد رفت. آیا حوزه‌های علمیه توانایی جذب این مقدار از وجوهات را دارند؟
۲. برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، لازم است دولت میزان درآمدهای مالیاتی خود را بالا ببرد. دولت در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای این امر کرده است. به نظر می‌رسد اجرای این پیشنهاد دولت را در رسیدن به این هدف عقب می‌اندازد و لازم است که راهکاری جداگانه در نظر گرفته شود.
۳. آنچه طلاب و مستحقین از سادات از مراجع دریافت می‌کنند به صورت ضابطه‌مند است و ثبت می‌شود. اما آنچه به صورت موردی به افراد پرداخت

می‌شود و یا اینکه به نهادهای دینی کمک می‌شود دارای چنین ضابطه‌ای نیست و همیشه این امکان وجود دارد که کمک‌های تکراری و امثال آن صورت گیرد. به همین دلیل تا مصرف خمس ضابطه‌مند نشود، این رویکرد با مشکلات زیادی همراه خواهد بود.

ایرادات فوق نشان می‌دهد که اگر قرار است پیشنهادی به این منظور ارائه شود، مستلزم آن است که با نگاهی سیستمی و در قالبی یکپارچه باشد و هم شامل حوزه‌های مصرف و هم شامل حوزه‌ها درآمدی باشد. این مقاله به تکیه بر مؤلفه‌های ۶ گانه نشان می‌دهد که هر یک از مؤلفه‌های مذکور می‌تواند شقوق دیگری نیز داشته باشد که از کنار هم قرار دادن این شقوق ساختارهای متعددی برای طراحی الگوی یکپارچه‌سازی می‌تواند وجود داشته باشد.

موحدی بک‌نظر و رضایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسوی»، و نیز در پژوهشی دیگر رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با عنوان «ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد»، به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالیه مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و با تبیین ارتباط مطلوب وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی به عنوان اولین گام نظام‌سازی مطلوب مالیاتی، راه را برای ادامه تغییرات هموار می‌سازد. در واقع این دو تحقیق به دنبال آن بوده‌اند که حل مشکل پرداخت‌های دوسویه (یعنی وجوهات شرعی و مالیات به‌طور هم‌زمان) را مورد بررسی قرار دهند. سازوکاری که توسط این دودسته از محققین مطرح شده است این است که «مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته‌شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد». در واقع هر فرد به‌میزانی که خمس یا زکات پرداخت کرده است، در صورت ارائه مدرکی مستند و قابل قبول برای نظام مالیاتی، مشمول معافیت مالیاتی می‌شود. براساس ساختار

پیشنهادشده، هم مراجع معظم تقلید و هم ولی فقیه به صورت جداگانه و در عرض هم خمس را دریافت می‌کنند، سازمان امور مالیاتی، مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند و نظام مالیاتی پرداخت‌کنندگان خمس و زکات را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد.

اسماعیل‌پوردره (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، افزایش بهره‌وری و کارایی و اثربخشی بهینه در حوزه‌های جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات در ایران را مستلزم ایجاد مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته است. برای این منظور به بررسی دو پیش‌نیاز فقهی ایجاد مؤسسات مالی زکات یعنی امکان تعمیم متعلقات زکات و نقش حکومت در قبال زکات، ساختار اداری و شیوه‌های جمع‌آوری و توزیع پرداخته است و وضعیت فعلی اداره زکات را در جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و در پایان به ارائه الگوی مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران همت گماشته است. این تحقیق صرفاً ساختار زکات را مورد بررسی قرار داده و پرداختن به خمس و مالیات و نیز همگرایی آنها را محل بحث خود قرار نداده است.

۲. بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف

به‌منظور طراحی الگویی برای یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف لازم است که حداقل در مورد شش مؤلفه تصمیم‌گیری شود. این مؤلفه‌ها و بررسی شقوق مختلف هر یک به شرح ذیل است.

۲-۱. نوع معافیت مالیاتی

یکی از مؤلفه‌های اصلی طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، استفاده از سازوکار معافیت‌های مالیاتی است. بخشودگی مالیاتی مهم‌ترین رکنی است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مهم‌ترین تحقیقات مربوط به طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف شعبانی (۱۳۹۳)، رضایی و

سبزو (۱۳۹۱) و رضایی و موحدی بک‌نظر (۱۳۹۱) چنین الگویی به‌کارگرفته شده است و از این‌رو در این بخش به‌دنبال آن هستیم که از سازوکار چنین بخشودگی‌هایی را موردبررسی قرار دهیم (تحقیقات قبلی به‌بررسی دقیق و چرایی این سازوکارها پرداخته‌اند). برای این منظور لازم است که مجموعه بخشودگی‌های مالیاتی در ایران را موردبحث و بررسی قرار دهیم تا چرایی و سازوکار ایجاد معافیت مالیاتی نسبت به پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را تبیین نماییم. چنانچه بخواهیم در یک نگاه کلی مجموع علل بخشودگی‌های مالیاتی در قانون مالیات ایران را موردبررسی قرار دهیم، می‌توانیم آنها را در شش دسته کلی طبقه‌بندی نماییم (قانون نظام مالیاتی ایران^۱). این طبقه‌بندی به‌شرح ذیل است:

۱. حمایتی.
۲. تشویقی.
۳. هزینه‌ای.
۴. جلوگیری از پیچیدگی مالیاتی.
۵. باز توزیع عادلانه ثروت.
۶. جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف.

در حال حاضر قانون مالیاتی ایران، در موارد متعددی و بنابر دلایل مختلف، بخشودگی‌های مالیاتی را در سطوح مختلف در نظر گرفته است که در این بخش به بررسی آنها خواهیم پرداخت. از نظر نوع و شیوه بخشودگی‌های مالیاتی، این بخشودگی‌ها به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

۱. معافیت از شمول در مالیات.
۲. معافیت از مالیات به‌مقدار پرداختی در امور مختلف.
۳. محسوب شدن مبالغ پرداختی خاص به‌عنوان هزینه قابل قبول.

در شیوه اول، بسیاری از پرداخت‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی از مالیات معاف می‌گردند و هیچ هزینه‌ای برای الیات در نظر گرفته نمی‌شود (قانون مالیات بر ارث، بند ۱، ماده ۲۴). در رویکرد دوم، نظام مالیاتی برخی از پرداخت‌ها، هدایا و نیز نذورات

را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد، به این معنا که به میزان کل پرداخت‌های شخص در بخشی خاص، او را مشمول بخشودگی مالیاتی قرار می‌دهد. این قانون عمدتاً در مواردی که با پرداخت‌های مضاعف مواجه هستیم به کار گرفته می‌شود. به این معنا که اگر شخصی در محلی مالیاتی پرداخت، از محل دیگر به منظور جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف، از او مالیات دریافت نمی‌شود که مقدار این بخشودگی دقیقاً به همان میزانی است که شخص در جای دیگر مالیات پرداخت کرده است.

در رویکرد سوم، بخشی از پرداخت‌ها، هدایا و نیز مخارج عده‌ای از اقشار جامعه به‌عنوان هزینه قابل قبول در پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که کل مبلغ این هزینه‌ها از درآمد مشمول مالیات شخص کسر شده و میزان مالیات او بعد از آن محاسبه می‌شود. عمده‌ترین سهم از این نوع بخشودگی‌ها اختصاص به کمک‌های عام‌المنفعه دارد (قانون مالیاتی کشور، ماده ۱۷۲). اما آنچه در این بخش مربوط به خمس و زکات است، این است که اگر قرار باشد براساس مقایسه با قانون، افرادی را که خمس و زکات می‌پردازند، مشمول معافیت مالیاتی نماییم از چند حیث این موضوع شدنی است.

۳. خمس و زکات به‌عنوان هزینه قابل قبول

همان‌طوری که در قانون معافیت‌های مالیاتی مشهود است هزینه بسیاری از کمک‌های عام‌المنفعه از قبیل ساخت مدرسه و بیمارستان و امثال آن می‌تواند به‌عنوان هزینه قابل قبول نظام مالیاتی تلقی شود. بر این اساس، از آنجاکه در حال حاضر وجوهات خمس و زکات در همین امور یعنی مدیریت حوزه‌های علمیه و مدارس علوم دینی و نیز امور خیریه و عام‌المنفعه مصرف می‌شود، می‌توان با تکیه بر این قانون این نوع از مالیات‌ها مشمول هزینه‌های قابل قبول تلقی نمود.

۴. خمس و زکات به‌عنوان جایگزین مالیات

یکی از عللی که در قانون معافیت‌های مالیاتی به‌عنوان عامل معافیت در نظر گرفته شده است، اجتناب از اخذ مالیات‌های مضاعف است. از آنجا که خمس و زکات نیز نوعی مالیات محسوب می‌شوند، از افرادی که خمس و زکات می‌پردازند، مالیات مضاعف دریافت می‌شود. بدیهی است که اگر از این منظر به موضوع نظر بیفکنیم، خواهیم دید که لازم است نظام مالیاتی به‌میزانی که این افراد خمس و زکات پرداخت می‌نمایند، آنها را مشمول معافیت مالیاتی قرار دهد. نکته‌ای که در اینجا باید اشاره شود این است که با در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی، نقش حمایتی و نیز تشویقی آنها نیز مشخص می‌شود. در واقع اولاً این نوع از معافیت‌ها باعث می‌شود که خانواده‌های مذهبی مورد حمایت بیشتری قرار گیرند و از پرداخت‌های موازی به‌دور باشند. ثانیاً افرادی که به‌ر دلیل از پرداخت خمس اجتناب می‌کردند، در شرایط فعلی تشویق به پرداخت خمس و زکات می‌شوند.

در اینجا رویکرد سومی نیز وجود دارد که در شرایط خاصی می‌تواند مفید واقع شود. این رویکرد عبارت است از اینکه بخشی از خمس و زکات به‌عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود. علت تمسک به‌چنین رویکردی این است که بسیاری از افراد در مواجهه با پرداخت خمس و زکات و مالیات ترجیح می‌دهند که خمس و زکات را پرداخت کنند و مشمول معافیت مالیاتی قرار بگیرند. طبیعی است که بخش زیادی از وجوهاتی که قبلاً به‌صورت مالیات پرداخت می‌شدند، به‌صورت خمس و زکات پرداخت می‌شوند و به‌جای واریز شدن به‌خزانه، در اختیار متولیان وجوهات شرعی قرار می‌گیرد. حال اگر در قانون مالیاتی درصد معینی از پرداخت خمس و زکات به‌عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود، در واقع نوعی ابزار سیاستی ایجاد شده است که میزان انتقال وجوهات مالیاتی از دولت به متولیان خمس و زکات را مدیریت می‌کند.

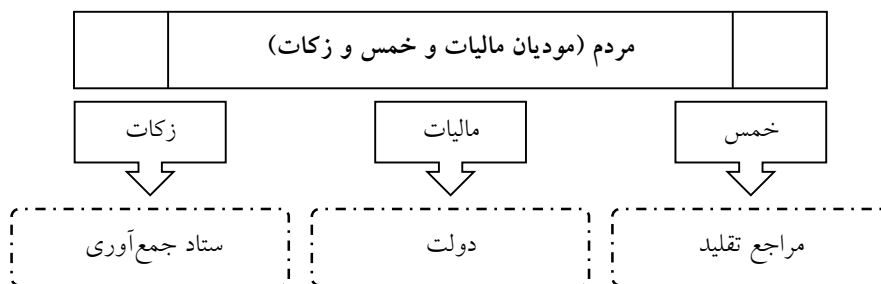
۴-۱. مرجع جمع‌آوری کننده

سؤالی که در این بخش بدان پاسخ داده می‌شود این است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی چه کسانی می‌توانند متولی جمع‌آوری وجوهات شرعی و منابع مالیاتی باشند. از بعد فقهی نظر اکثر مراجع فعلی، پرداخت زکات به‌وسیله مالک در صورت

عدم درخواست حاکم است، یعنی مالک مال می‌تواند در صورت عدم درخواست حاکم جامعه اسلامی، خود مستقلاً به پرداخت زکات مبادرت ورزد. باین حال شهید صدر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله موسوی اردبیلی نظرشان این است که باید زکات به حاکم جامعه اسلامی پرداخت شود (اسماعیل پوردره، ۱۳۹۲، ص. ۹۸). از طرفی اکثر فقها اعتقاد دارند که بهتر است که در زمان حضور امام علیه‌السلام به ایشان و در دوره غیبت، به فقها پرداخت شود تا از سوی آنان در جاهای لازم هزینه گردد. باین حال اگر امام یا حاکم جامعه اسلامی از مردم بخواهد که زکات را به او پرداخت کنند، در این صورت بر همگان واجب است که زکات را به او بپردازند و فقها بر این نظر تأکید دارند (اسماعیل پوردره، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۱). در مورد خمس نیز بسیاری از فقها خصوصاً فقهای متأخر اعتقاد دارند که خمس حق‌الاماره محسوب می‌شود (کاشیان، ۱۳۹۴، ص. ۸۰). از نظرات امام خمینی (ره) هم این‌گونه برداشت می‌شود که خمس حق‌الاماره است و باید به امام معصوم و یا نائب ایشان پرداخت شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، صص. ۳۲-۳۳). ضمن اینکه در تقسیم خمس امام مخیر است که هرگونه می‌خواهد در آن تصرف کند و در کنار آن سهم سادات را بپردازد؛ همچنین می‌فرمایند: «هرکس در معنای آیه و روایات، دقت و اندیشه کند، درمی‌یابد که همه سهم‌های خمس، از بیت‌المال است و حاکم، حق‌تصرف در آن را دارد و از نظر حاکم که مصلحت مسلمانان را در نظر دارد، گریزی نیست. حاکم، باید از سهم سادات، زندگی سه گروه یادشده را برحسب تشخیص خود برآورد» (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص. ۴۹۵).

آنچه در این بخش بدان پرداخته می‌شود، این است که با فرض اینکه ولی‌فقیه عهده‌دار وجوهات شرعی یعنی خمس و زکات است، بهترین سازوکارهایی را که می‌توان براساس آن اقدام به جمع‌آوری خمس و زکات چگونه است؟ به‌طور کلی شقوق مختلفی در این باره می‌توان مطرح کرد که در اینجا بدان پرداخته می‌شود و در بین این شقوق، براساس ساختار مطلوب، بهترین انتخاب می‌شود. این شقوق به شرح ذیل هستند:

۱. جمع‌آوری براساس شیوه فعلی (جمع‌آوری به صورت موازی): براساس این شیوه مالیات را دولت، خمس را مراجع و زکات را ستاد جمع‌آوری کند.
۲. دولت متولی جمع‌آوری باشد و از طریق بودجه در اختیار دیگران قرار دهد. براساس این رویکرد، نظام مالیاتی که عهده‌دار جمع‌آوری مالیات است، به طور هم‌زمان خمس و زکات نیز جمع‌آوری می‌کند و آن را از طریق بودجه و یا به صورت مستقیم در اختیار مراجع تقلید قرار می‌دهد.
۳. ولی فقیه متولی جمع‌آوری خمس و زکات باشد و دولت مالیات را جمع‌آوری نماید.



نمودار (۱): دریافت‌کنندگان مالیات اسلامی و متعارف

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

۴-۱-۱. ساختار اول: ساختار موازی

براساس این ساختار مردم به عنوان مؤدیان مالیات، خمس و زکات به طور هم‌زمان با سه نهاد در ارتباط هستند. از یک طرف خمس را به مراجع تقلید می‌دهند، از سوی دیگر زکات را به ستاد جمع‌آوری زکات و نهایتاً مالیات را به دولت می‌پردازند. در الگوی یکپارچه‌سازی این امکان وجود دارد سیستم فوق براساس یک روش بهینه عمل نماید. به این معنا که هر یک از افرادی که خمس و زکات را پرداخت می‌کنند، با ارائه حواله پرداخت به نظام مالیاتی از یکی از شیوه‌های معافیت مالیاتی بهره ببرند (موحدی بک‌نظر و رضایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳؛ رضایی و سبزو، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۵).

۴-۱-۲. ساختار دوم: دولت متولی جمع‌آوری خمس، زکات و مالیات باشد

براساس این رویکرد نظام مالیاتی کشور که دارای سامانه‌ها و زیرساخت‌های اطلاعاتی دقیقی است، متولی جمع‌آوری خمس و زکات در کنار مالیات می‌شود و با واریز این درآمدها به‌خزانه و در اختیار داشتن آمار پرداخت خمس و زکات به تفکیک مراجع، نظامی یکپارچه در این حوزه ایجاد می‌نماید. در این رویکرد، این درآمدها در بودجه سال‌های آتی به‌صورت تفکیکی در اختیار مراجع معظم تقلید قرار می‌گیرد و ایشان آن را در محل خود مصرف می‌کند. رویکرد جایگزین این امر در حوزه مصرف این است که این وجوه براساس برنامه‌ریزی و ساختارهای منظم از قبل تعیین‌شده در اختیار مراجع قرار گیرد.

از مزایای این روش این است که:

۱. یک نظام یکپارچه برای جمع‌آوری خمس و زکات در کشور به‌وجود می‌آید.
۲. نیازی به ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی مستقل جدید برای جمع‌آوری خمس و زکات وجود ندارد.
۳. رویکرد سنتی در جمع‌آوری خمس و زکات از بین خواهد رفت.
۴. امکان محاسبه معافیت‌های مالیاتی به دلیل پرداخت خمس و زکات به‌صورت مستقیم به‌وجود می‌آید.
۵. شفاف‌سازی در این حوزه وجود دارد.

از معایب این روش این است که:

۱. ساختار سنتی و ارتباط مستقیم مردم و مراجع تقلید در پرداخت وجوهات شرعی از بین می‌رود.
۲. ورود خمس و زکات به سیستم‌های دولتی، می‌تواند باعث از بین رفتن استقلال حوزه‌های علمیه و مراجع معظم تقلید تقویت گردد.

لذا ساختاری با این نوع از معایب را مورد استفاده قرار نخواهیم داد.

۴-۱-۳. ساختار سوم:

در ساختار سوم بنابراین می‌شود که خمس تحت نظارت ولی فقیه جمع‌آوری گردد و از طریق ایشان به دست مراجع معظم تقلید برسد و در امور از پیش تعیین شده، مورد استفاده قرار گیرد.

از مزایای این سیستم این است:

۱. ارتباط مالی مردم و مراجع تقلید از طریق ولی فقیه برقرار است.
۲. امکان شفاف‌سازی در این حوزه وجود دارد.
۳. با ایجاد سامانه اطلاعاتی دقیق در این حوزه، امکان ارسال اطلاعات برای نظام مالیاتی و محاسبه تخفیف‌های مالیاتی وجود دارد.
۴. با توجه به اینکه ولی فقیه خود از حوزه‌های علمیه و مجتهدین محسوب می‌شود، پرداخت وجوهات از طریق ایشان به مراجع تقلید، مصداق وابستگی به دولت محسوب نمی‌شود.

از معایب این روش این است:

۱. نیاز به سامانه اطلاعاتی جدیدی برای این شیوه وجود دارد.
۲. اکثر یا همه مراجع تقلید، تنها پرداخت خمس به خود را مجزی می‌دانند و مقلدین نیز راضی به پرداخت خمس به غیر مرجع خود نیستند، مگر آنکه خود مراجع چنین دستوری صادر نمایند.

۴-۲. ساختار جغرافیایی

سؤالی که در این بخش بدان پاسخ داده می‌شود این است که در حوزه جمع‌آوری وجوهات و مالیات‌های اسلامی چه نوع ساختارهایی قابل استفاده است؟ از منظر ساختارهای جغرافیایی رویکردهای متعددی در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی قابل تصور است که از جمله آنها می‌توان به رویکرد متمرکز و رویکرد منطقه‌ای (فدرالیسم مالی) اشاره کرد. هر یک از این دو رویکرد دارای مزایا و معایبی است که با توجه به تأکید این بخش بر رویکرد فدرالیسم مالی، به بررسی این مزایا و معایب خواهیم پرداخت. بسیاری از اقتصاددانانی که به موضوع فدرالیسم مالی توجه داشته‌اند،

ویژگی‌های متعددی را برای این نظام برشمرده‌اند. برخی از مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:^۲ افزایش رقابت بین مناطق، سازگاری بین عرضه و تقاضای کالاهای عمومی، امکان کاهش فساد، رشد اقتصادی بالاتر و کاهش اندازه اقتصاد سایه^۳، کارایی فرایندی^۴ و پیامدی^۵ بالاتر، کاهش مسأله سواری مجانی، مقایسه آسان بین مناطق و وجود گزینه خروج، بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان بخشی از مهم‌ترین مزایای چنین نظامی هستند.

یکی از ویژگی‌های اساسی فدرالیسم، رقابت است. به فرض وجود دیگر جنبه‌های فدرالیسم اقتصادی به‌ویژه دخل و خرج محلی، انگیزه رقابت بین مناطق زیاد می‌شود (Tullock, Brady, & Seldon, 2002, p. 76). از مهم‌ترین ویژگی‌های رقابت، این است که منجر به ارائه خدمات بهتر به جامعه می‌شود. انتظار می‌رود که رقابت مالیاتی محدودیت‌هایی برای سیاست‌مداران ایجاد نماید که منجر به بسته‌های سیاستی مالیاتی و تدارک مناسب‌تر کالاهای عمومی گردد (Adamovich & Hosp, 2003, p. 77). هرچند رقابت در ارتباط با انجام احکام الهی دارای شبهه منفعت‌طلبی شخصی است و اساس رقابت در سیستم‌های غیرارزشی، براساس حداکثرسازی منافع یا مطلوبیت یا سود است که در ارتباط با جمع‌آوری وجوهات شرعی به‌عنوان یک فریضه الهی نمی‌تواند صادق باشد، با این وجود مسابقه در کار خیر و تلاش برای سبقت گرفتن از دیگران نه برای منفعت شخصی بلکه برای رفع فقر و امور خیر، توصیه قرآن (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) به مسلمانان است (بقره: ۱۴۸).

سازگاری بین تقاضای افراد از کالاهای عمومی با عرضه این کالاها بیشتر خواهد بود (Brown & Jackson, 1990, p. 258)، عدم تمرکز مالی منجر به سطوح پایین‌تری از فساد می‌شود (Arikan, 2004, p. 175)، ساختار مالی منطقه‌ای موجب پس‌انداز بیشتر در اقتصاد می‌شود که این امر موجب افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه نیروی انسانی شده و بالطبع رشد اقتصادی سریع‌تری را فراهم می‌آورد (Brueckner, 2006, p. 14).

در مورد کارایی فرایندی^۶ و پیامدی^۷، عدم تمرکز بالاتر منجر به انجام مصارف بیشتر برای آموزش می‌گردد (Adamovich & Hosp, 2003, p. 79). از طرفی اگر مخارج برنامه‌ها در یک محل، از مالیات‌های وضع شده همان محل تأمین شوند احتمال سرشکن کردن هزینه‌ها کاهش خواهد یافت (کالیس و جونز^۸، ۱۳۸۸، ص. ۷۳۰). وجود رقابت

و نظام دخل و خرج منطقه‌ای مالیات و بالطبع پاسخگویی مسئولان محلی به مردم، موجبات اهمیت مقایسه بین مناطق در نزد مردم را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر در این شرایط مقایسه بین مناطق از سوی مردم به آسانی صورت می‌گیرد (Tullock, 2007, p.76).

ویژگی دیگر چنین شیوه اداره کردن، پیدایش قدرت انتخاب برای افراد به منظور استفاده از خدمات و کالاهای عمومی است (Buchanan & Musgrave, 1999, p. 256). اما آنچه مربوط به بهبود رفتار مودیان مالیاتی است مستلزم توجه به این مقوله است که هزینه‌های پایین‌تر در نظارت بر پرداخت مالیات و به نوعی مردمی شدن این نظارت و اعتقاد افراد به این امر که منابع مالی جمع‌آوری شده، در مناطق خود و برای ارائه کالاها و خدمات عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در صدر اسلام، به دلیل وسعت جغرافیایی اندک سرزمین اسلامی همه امور مالی، قضائی و اجرائی در دست حاکم اسلام بود؛ اما در زمان چهارخليفة پس از پیامبر اسلام (ص) تغییراتی در این مسائل به وجود آمد که برحسب شرایط حتی اموری چون قضاوت نیز به نواحی مختلف محول گردید. در زمان امیرالمؤمنین علی (ع)، ایشان بسیاری از اختیارات خود را به کارگزاران تفویض نمودند. سطوح انتخاب کارگزاران در حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) را به دو سطح استانداری و فرمانداری می‌توان تقسیم نمود. استانداران در مناطق بزرگتری چون مصر، اختیارات وسیعی (حتی انتخاب قاضی)، داشتند؛ فرمانداران اعزامی نیز گاهی صرفاً زعامت لشکر و امامت جمعه را داشته و قضا برعهده شخصی دیگری بود (معینی‌نیا، ۱۳۷۹، صص. ۲۲۴-۲۲۵). به اعتقاد برخی محققین، حکومت امیرالمؤمنین (ع) به لحاظ سیاسی متمرکز ولی از نظر اداری نامتمرکز بود (معینی‌نیا، ۱۳۷۹، صص. ۹۱-۹۲).

موحدی بک‌نظر و رضایی (۱۳۸۹) با استناد به نهج‌البلاغه و دیگر کتب روایی و نیز تحقیقات معینی‌نیا (۱۳۷۹) شواهدی و قرینه‌هایی برای نگاه منطقه‌ای به خمس و زکات مطرح می‌نمایند:

۱. در ابتدای نامه معروف امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک‌اشتر، چهار وظیفه مهم برای وی شمرده می‌شود: أخذ مالیات مصر، پیکار با دشمنان، به سامان رساندن کار مردم

و آبادی شهرها (نامه ۵۳، ص. ۴۲۷). همان‌گونه که می‌بینیم جز در چارچوب نظام اداری محلی، این دستورات قابل تحلیل نیست. احاله مطلق امور مصر به مالک‌اشتر بیانگر وجود چنین رویکردی در اداره حکومت در زمان امیرالمؤمنین علی(ع) است. آنجا که می‌نویسند: «امام تو ... کفایت کارشان (اهالی مصر) را از تو خواسته^۹» (نامه ۵۳، ص. ۴۲۸).

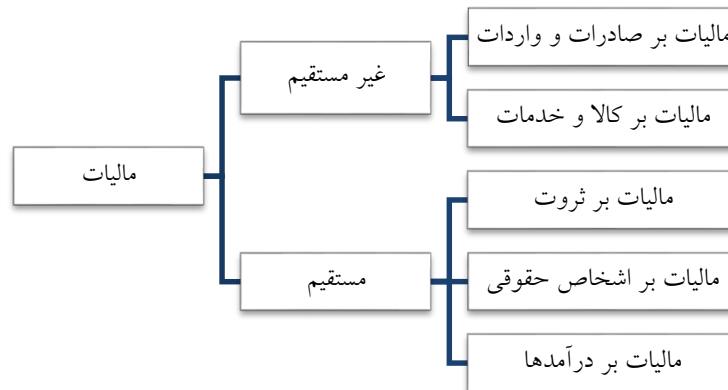
۲. امیرالمؤمنین علی(ع) ارتباط مستقیمی بین مالیات پرداختی از سوی مردم منطقه و ایجاد عمران و آبادانی در آن منطقه برقرار می‌نماید؛ آنجا که می‌فرماید: «مالیات جز از راه آبادانی به دست نیاید و هر که بدون آبادسازی مالیات بخواهد سرزمین‌ها را ویران و مردم را هلاک می‌کند و آموزش اندک زمانی بیش پایدار نمی‌ماند» (نامه ۵۳، ص. ۴۳۶). از طرفی دیگر پذیرش سیاست‌های اجرایی حاکم، معلول خرج کرد مناسب مالیات‌های پرداختی و آبادانی آن منطقه است^{۱۰} (نامه ۵۳، ص. ۴۳۶). امام درجایی دیگر می‌نویسند که همه مردم (منطقه تحت‌نفوذ حکومت تو)، نان‌خور مالیات و مالیات پردازان هستند^{۱۱} (نامه ۵۳، ص. ۴۳۶). همه این اشارات بیانگر وجود و نیز تأیید چنین نگرشی به گرفتن مالیات و مصارف آن در نظام اسلامی است.

۳. حق‌الاماره بودن خمس که از پیش‌فرض‌های این تحقیق نیز هست، سبب می‌شود که شیوه مدیریت خمس و زکات را در اختیار ولی فقیه بدانیم و چنانچه ولی فقیه صلاح بداند می‌تواند از اختیارات حکومتی خویش استفاده نماید.

۳-۴. نوع مالیات مشمول تخفیف

آنچه به‌عنوان ابزار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده از تخفیف مالیاتی است. در واقع در ساختار جدید با استفاده از نوعی تخفیف مالیاتی، امکان یکپارچه‌سازی شکل می‌گیرد. با این رویکرد، آنگاه سؤال می‌شود که در بین انواع مالیات‌ها، از کدام یک می‌توان به‌عنوان یک ابزار کارآمد استفاده کرد؟ به‌عبارت‌دیگر اگر کسی خمس و زکات را پرداخت کرد، بخشودگی مالیاتی بر کدام نوع از مالیات‌ها قابل اعمال است؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است که بررسی اجمالی از انواع مالیات‌های ایران و انواع منابع مالی اسلامی داشته باشیم و با بررسی وجوه اشتراک و تفارق هریک، امکان بهره‌گیری انواع مالیات‌ها برای تخفیف مالیاتی را مورد محاسبه

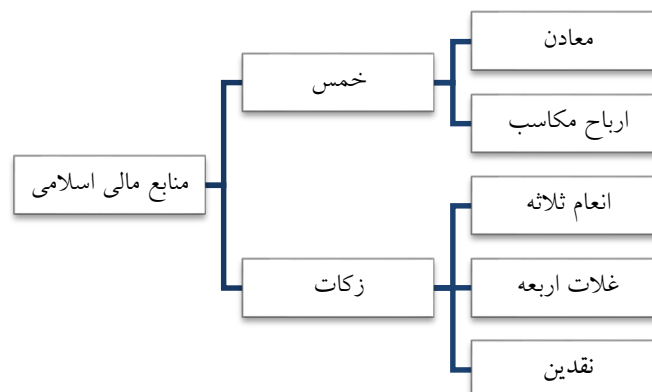
قرار دهیم. همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شد، در قانون جمهوری اسلامی ایران مالیات از منابع مختلفی جمع‌آوری می‌شود. این موارد به شرح ذیل هستند:



نمودار (۲): دسته‌بندی مالیات‌های متعارف در ایران

منبع: بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در مورد معافیت مالیاتی آنچه مسلم است این است که مالیات‌های غیرمستقیم به واسطه اینکه به صورت درجا بر کالاها وضع می‌شود و شخص هنگام خرید کالا این مالیات را پرداخت می‌کند، امکان ایجاد چنین معافیت‌هایی تقریباً دشوار و شاید غیرممکن باشد؛ اما در مورد مالیات‌های مستقیم می‌توان مالیات بر اشخاص حقوقی را نادیده گرفت و صرفاً بحث را در مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد خلاصه کرد. به همین صورت در مورد خمس و زکات نیز موارد ذیل قابل حصول است:



نمودار (۳): دسته‌بندی مالیات‌های اسلامی

منبع: کاشیان، ۱۳۹۴

در مورد معادن می‌توان آن را نوعی از مالیات بر ارزش افزوده دانست. چراکه در خمس معادن فرض بر آن است که شخص پس از کسر هزینه‌ها از درآمد، خمس را بپردازد (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ص. ۸۱).

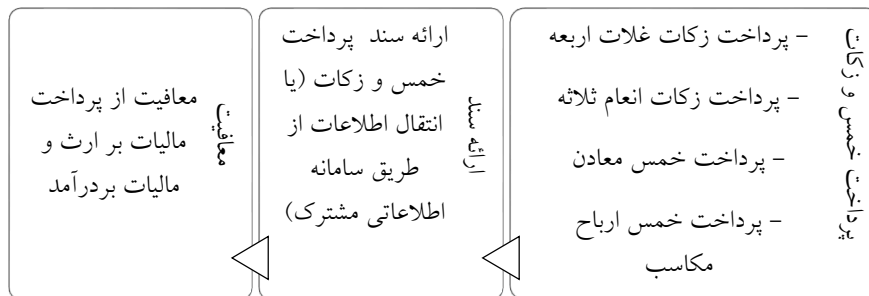
ارباح مکاسب نیز نوعی مالیات بر درآمد محسوب می‌شود. با این تفاوت که مؤدی این اجازه را دارد ابتدا مصارف سالانه خود را انجام دهد، آنگاه اگر از درآمد سالانه او چیزی باقی ماند، یک پنجم آن را به‌عنوان خمس پرداخت نماید. انعام ثلاثه و غلات اربعه نیز از مصادیق مالیات بر کالا محسوب می‌شود. چراکه براساس نصابی که تعیین شده است، از هر تعداد مشخصی از انعام ثلاثه و مقدار معینی از غلات اربعه، بخشی به‌عنوان زکات أخذ می‌شود.

۴-۳-۱. بررسی وجوه اشتراک و امکان ایجاد معافیت مالیاتی

از آنجاکه براساس فتوای حضرت امام و نظر مشهور فقهای شیعه زکات بر نقدین در شرایط فعلی منتفی است، بحثی از آن به میان نمی‌آوریم و لذا نقدین از دایره شمول این بحث خارج است. از طرفی براساس ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دام‌پروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبورعسل و پرورش طیور و... از پرداخت مالیات معاف است ولی بر غلات اربعه و انعام ثلاثه زکات تعلق می‌گیرد. لذا انتظار این است که اگر کسی زکات غلات اربعه و انعام ثلاثه را پرداخت کرد، از محل دیگری که ممکن است مشمول پرداخت مالیات باشد، مشمول معافیت یا بخشودگی مالیاتی قرار گیرد.

در مورد خمس ارباح مکاسب و معادن نیز افراد با مراجعه به نمایندگان ولی فقیه یا مراجع معظم تقلید اقدام به پرداخت می‌نمایند. حال ممکن است به‌صورت هم‌زمان مشمول مالیات بردرآمد یا مالیات بر ارث نیز شده باشند.

در اینجا دولت می‌تواند با اطمینان از پرداخت خمس و زکات توسط این شخص، مالیات بر وی وضع نماید.



نمودار(۴): روند ایجاد معافیت مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان خمس و زکات

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

۴-۴. از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات

با توجه به فلسفه وضع زکات در اسلام می‌توان گفت که زکات و خمس عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۳۰۸)؛ اما این بدان معنا نیست که استفاده از زکات محصور در رفع فقر باشد. از مجموع روایات و آیات قرآن کریم و نیز از نظرات فقهی حضرت امام خمینی (ره) این‌گونه برداشت می‌شود که زکات و خمس صرفاً برای رفع فقر و کمک به زندگی فقرا نیست، هرچند هدف اصلی آن رفع فقر است. این دو درآمد می‌توانند برای غیر رفع فقر و براساس صلاح‌دید حاکم اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد و در اموری مانند پروژه‌های عمرانی، پروژه‌های عام‌المنفعه، سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، امور اقتصادی و سایر موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرند. مخصوصاً درآمدهای حاصل از خمس که براساس نظر مشهور فقها حق‌الاماره محسوب می‌شود و حاکم جامعه اسلامی می‌تواند براساس صلاح‌دید آن را به مصرف برساند. در حال حاضر نیز خمس و زکات به‌عنوان دو ابزار برای رفع فقر استفاده می‌شوند، اما بخش مهمی از این درآمدها در جهت امور فرهنگی از جمله ساخت مدارس دینی، مخارج حوزه‌های علمیه و سایر امور استفاده می‌شود که متولی اصلی آن مراجع معظم تقلید بوده و هستند. در واقع تشخیص بسیاری از فقها این بود است که این وجوهات در چنین محلی مصرف شود. سؤالی که در این بخش بدان پاسخ داده می‌شود و وجوهات مختلفی برای آن در نظر گرفته می‌شود، این است که در طراحی الگوی جدید برای مصرف مالیات‌ها و منابع مالی اسلامی چه سازوکاری طراحی شود و

این منابع در چه بخشی مورد استفاده قرار گیرند. پاسخ به این سؤال زمانی ضرورت پیدا می‌کند که بدانیم در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی ممکن است حجم عظیمی از وجوهات به دست مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه برسد.

۴-۱. مصرف وجوهات خمسی در گسترش فرهنگ دینی

یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی که وجوهات خمسی می‌تواند در آن استفاده شود و در حال حاضر نیز توسط مراجع معظم تقلید در این حوزه استفاده می‌شود، گسترش فرهنگ دینی است. در حال حاضر حوزه‌های علمیه از طریق محل وجوهات خمسی مدیریت می‌شود و مراجع معظم تقلید نیز وجوهات را در حوزه‌های فرهنگ دینی به مصرف می‌رسانند. در الگوی جدید و با انتقال بخش زیادی از وجوهات مالیاتی در قالب خمس به مراجع تقلید، امکان ایجاد محل مصرفی جدید و حوزه‌های فرهنگ دینی جدید میسر می‌شود و مراجع تقلید نقش بی‌بدیلی در این حوزه ایفا می‌کنند. در این بخش با نگاهی به کلیات سیاست‌گذاری فرهنگی و نقشی که مراجع معظم تقلید می‌توانند داشته باشند، چارچوبی را برای برنامه‌ریزی در آینده ارائه کرده‌ایم. در ابتدا لازم است که ذکر شود این مقاله به هیچ‌عنوان به دنبال آن نیست که الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی توسط مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه را تبیین نماید، چراکه این بحث مستلزم تحقیقات تخصصی در حوزه ارتباطات و مدیریت فرهنگی است. در این تحقیق صرفاً به یک چارچوب کلی اشاره می‌شود و با فرض اینکه برخی از چارچوب‌ها می‌توانند برای سیاست‌گذاری مفید باشند، اعلام می‌دارد که منابع مالی این سیاست‌گذاری می‌تواند از طریق خمس تأمین شود. فرخی (۱۳۹۳) چارچوب نسبتاً کاملی از این حوزه را ترسیم کرده است. هرچند چارچوب ارائه‌شده در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی توسط دولت است، اما از آنجاکه مراجع تقلید نیز می‌توانند در این حوزه نقش حاکمیتی ایفا کنند، به همین دلیل مطالب ارائه‌شده، در این حوزه نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

سطوح^{۱۲} ورود و دخالت دولت در حوزه فرهنگی را می‌توان در قالب سه دسته

ذیل طبقه‌بندی نمود:

۱. سطح سیاست‌گذاری^{۱۳}: در این سطح دولت در فرایند سازمان‌دهی بخش‌های مختلف مرتبط با امور فرهنگی جامعه نسبت به اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های معین اقدام می‌نماید. در این سطح نقش دولت ناظر و سیاست‌گذار در عرصه‌های فرهنگی است بدون آنکه حمایت یا اقدام معینی را در این زمینه دنبال نماید. در نتیجه به‌میزانی از منابع اقتصادی نیاز است که تأمین‌کننده ارائه‌ی این‌گونه خدمات باشد.
۲. سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی^{۱۴}: در سطح دوم دولت علاوه بر سیاست‌گذاری، نسبت به برنامه‌ریزی و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام می‌کند. بسترسازی و برنامه‌ریزی دولت عمدتاً معطوف به ارائه حمایت‌های مختلف مادی و غیر آن در ارتباط با منابع موردنیاز (انسانی، مالی و کالبدی) و یا پشتیبانی نرم‌افزاری (نظیر فراهم‌سازی طرح‌ها، برنامه‌ها و خدمات علمی - پژوهشی) است. به‌عبارت روشن‌تر دولت از همه منابع و امکانات خود در راستای حمایت و اعتلای فرهنگ بهره می‌گیرد و نقش سرپرست را ایفا می‌نماید ولی مانع از آن نیست که بخش خصوصی نیز بخشی از امکانات و منابع مالی خود را به این‌گونه امور اختصاص دهد.
۳. سطح اجرا^{۱۵}: در سطح سوم دولت در امور فرهنگی وارد می‌شود و تصدی‌گری فعالیت‌ها را برعهده می‌گیرد. در چنین حالتی دولت به‌عنوان سیاست‌گذار (برنامه‌ریز) مجری از طریق تأسیس و راه‌اندازی نهادهای فرهنگی ویژه و اعمال نوعی تمرکز در فعالیت‌ها خود شخصاً متولی امور می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴، صص. ۷۳-۷۴).

۴-۲-۴. مصارف در حوزه رفع فقر

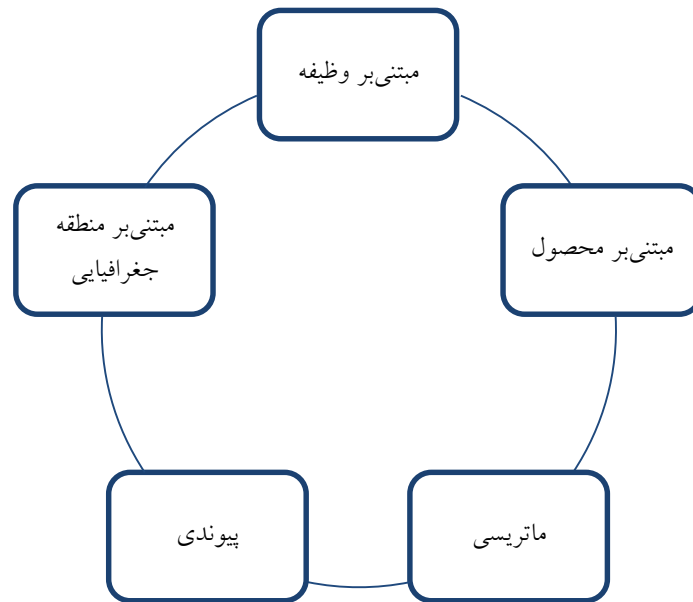
از آنجاکه یکی از مهم‌ترین مصارف درآمدهای حاصل از خمس و زکات رفع فقر و کمک به مستمندان است، بخشی از این درآمدها می‌تواند به‌همین منظور مورد استفاده قرار گیرد. مکانیسم اجرای چنین امری می‌توان از دو الگو بهره‌بردار که این دو الگو به شرح ذیل توضیح داده شده‌اند:

۱. بهره‌گیری از ظرفیت‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی: در حال حاضر متولی اصلی رفع فقر در کشور کمیته امداد امام خمینی (ره) است. این نهاد براساس برنامه‌ریزی‌هایی که داشته است به‌صورت تخصصی به‌رفع فقر در کشور کمک می‌کند و ضمن ارائه کمک‌های مستقیم به نیازمندان، سعی بر آن دارد که با بهره‌گیری از توانمندسازی اقتصادی فقرا، آنها را مستقل نموده و از لحاظ مالی آنها را برای همیشه بی‌نیاز نماید.

۲. ایجاد نهاد موازی برای رفع فقر در کنار سایر نهادها: یکی از رویکردهای قابل‌تصور در این حوزه این است مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه با تأسیس نهادی جدید به‌صورت موازی کمک به فقرا داشته باشند و از طریق ایجاد سامانه اطلاعاتی مشترک، اطلاعات افرادی تحت پوشش را در اختیار کمیته امداد قرار دهند. هرچند این پیشنهاد اجرایی است، اما عیب اصلی آن این است که در شرایط امروزی که رفع فقر مستلزم نوعی توانمندسازی، حمایت‌های آموزشی و فرهنگی و بسیاری از جزئیات دیگر است، نیاز به ساختار بسیار بزرگی دارد که تفاوت چندانی با کمیته امداد ندارد، لذا پیشنهاد این مقاله این است که به‌دلیل تخصصی بودن این فعالیت‌ها صرفاً کمیته امداد به‌صورت مستقل به این امر بپردازد. تجربه کشورهای مسلمان از جمله مالزی دلالت بر این دارد که وجود نهادی تخصصی برای رفع فقر از مهم‌ترین الزامات طراحی الگو است (ناجی، مرتضوی‌کاخکی، و ارشدی، ۱۳۹۱، ص. ۵۸۱).

۴-۵. از حیث ساختار

ساختارهای سازمانی را می‌توان در قالب پنج گروه کلی نشان داد (الدف‌ت^۶، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۳۷۲):



نمودار(۵): ساختارهای سازمانی

منبع: (الدفث، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۳۷۲)

هریک از این ساختارها دارای مزایا و معایبی است که این نوشتار یارای بررسی آنها را ندارد؛ اما توضیح یک نکته ضروری است از آنجاکه در نظام خمس ایران مراجع معظم تقلید نقش مهمی دارند، لذا ساختار باید بتواند فرماندهی متعدد را در خود جای دهد و تنها ساختاری که چنین قابلیتی دارد، ساختار ماتریسی است (الدفث، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۳۷۲). با بهره‌گیری از همین ساختار به طراحی الگوی‌های موردنظر خواهیم پرداخت.

۴-۵-۱. ساختار خمس

با توجه به اینکه مراجع معظم تقلید در حوزه فرهنگ و رفع فقر می‌توانند حضورداشته باشند (و البته حضور دارند)، ساختارهای ذیل می‌تواند برای خمس درنظر گرفته شود که عمده آن ساختار ماتریسی است.

✓ ساختار ماتریسی دویعدی، مراجع تقلید (بعد افقی) و وظایف یا محصول (بعد عمودی): در این ساختار که دارای فرماندهی متعدد است، هریک از مراجع معظم تقلید به صورت مستقیم نقش دارند. براساس این ساختار امور فرهنگ دینی و اقتصادی شامل رفع فقر براساس قانون برعهده حوزه‌های علمیه و مراجع معظم تقلید قرار می‌گیرند. مجموعه‌ای فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی تعریف شده، سبب می‌شود که هر یک از علما و مراجع معظم تقلید نمایندگانی را در آن حوزه خاص معرفی نمایند. نمایندگان هریک از مراجع در هریک از وظایف محوله شورایی تشکیل داده و براساس سازوکاری که طراحی می‌نمایند، امور آن را برعهده می‌گیرند.

جدول (۱): ماتریس دویعدی مخارج و مراجع

مراجع تقلید n	...	مراجع تقلید ۲	مراجع تقلید ۱	مراجع تقلید	
				وظایف	مراجع تقلید
'''	'''	'''	نماینده	مدیریت حوزه‌های علمیه	
'''	'''	'''	'''	ساخت مسجد	
'''	'''	'''	'''	حمایت از مجموعه‌های فرهنگی	
'''	'''	'''	'''	حمایت از مبلغین	
				و ...	
'''	'''	'''	'''	پروژه‌های عام‌المنفعه	
'''	'''	'''	'''	کمک به رفع فقر	
				و ...	

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

به‌عنوان مثال در موضوع ساخت مساجد هریک از مراجع تقلید نمایندگانی دارند که با ایجاد شورایی متشکل از نمایندگان مراجع معظم تقلید و سایر سازمان‌های متولی در مورد ساخت مساجد و تأمین مالی آنها از طریق وجوهات شرعی تصمیم‌گیری می‌شود. اینکه چقدر این ساختار کاربردی است موضوعی است که در اینجا بدان پرداخته نمی‌شود.

✓ ساختار ماتریسی سه‌بعدی، مراجع تقلید - وظایفی - فدرالیسم: ساختار سوم برای زمانی است که ما اولاً نوعی فدرالیسم مالی را برای مصارف خمس بپذیریم. از جهتی برای نیاز به فرماندهی متعدد یعنی حضور مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه باشد و نهایتاً اینکه حوزه‌هایی از فرهنگ و مسائل اقتصادی را به‌ایشان واگذار نمایی. برطبق این ساختار وجوهای شرعی در هنگام مصرف به‌صورت استانی یا منطقه‌ای مصرف می‌شوند. در این شرایط مراجع معظم تقلید در هر منطقه نماینده‌ای را گماشته و نماینده ایشان در آن منطقه با در اختیار داشتن وجوهای در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی محوله تلاش می‌کند. این امکان وجود دارد که بخشی از منابع در آن استان مصرف‌شده و بخش دیگر به‌دست مراجع معظم تقلید برسد تا در بخش‌های کلان اقدام به سیاست‌گذاری و پشتیبانی نمایند. ساختار کلی این بخش به‌شکل ذیل است:

جدول (۲): ماتریس سه‌بعدی منطقه، مخارج و مراجع

مراجع تقلید n	...	مرجع تقلید ۲	مرجع تقلید ۱	مراجع تقلید مناطق
<p>امور محوله</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر	<p>امور محوله</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر 	<p>امور محوله</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر 	کل کشور

مراجع تقلید مناطق	مرجع تقلید ۱	مرجع تقلید ۲	مرجع تقلید n
منطقه ۱	نماینده مراجع	نماینده مراجع	نماینده مراجع
	ساخت مسجد	ساخت مسجد	ساخت مسجد
	مجموعه‌های فرهنگی	مجموعه‌های فرهنگی	مجموعه‌های فرهنگی
	خدمات عام‌المنفعه	خدمات عام‌المنفعه	خدمات عام‌المنفعه
کمک به رفع فقر	کمک به رفع فقر	کمک به رفع فقر	
....
منطقه ۲
منطقه ۳
منطقه ۴
و ...				

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

ساختاری که در این بخش معرفی شده است دارای مزایا و معایب متعددی است، مهم‌ترین مزیت این ساختار داشتن نگاه منطقه‌ای به مصرف خمس و زکات است که همه مزیت‌هایی که در بخش قبلی بدان اشاره نمودیم، در اینجا خود را نشان می‌دهد. اما مهم‌ترین اشکالات این ساختار این است که لازم است هریک از مراجع تقلید نماینده‌ای در منطقه داشته باشند تا اقدام به سیاست‌گذاری و حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های فرهنگی نمایند.

- اولاً گماشتن این نمایندگان، نظارت بر آنها و مدیریت همه آنها امری بسیار سخت و دشوار است.

- ثانیاً چنین سازوکاری سبب ایجاد حرکت‌های موازی در حوزه فرهنگ و اقتصاد می‌شود و آسیب‌های جدی به‌همراه دارد.

✓ ساختار ماتریسی سه‌بعدی ولی فقیه و مراجع معظم تقلید - فدرالیسم مالی - وظایف: ساختاری که در این بخش معرفی شده است، در پی رفع اشکالات «ساختار ماتریسی سه‌بعدی: مراجع تقلید - وظایف یا محصول - فدرالیسم» است. در واقع رویکردی جایگزین رویکرد مذکور ارائه می‌نماید. این ساختار که ماتریسی و سه‌بعدی است هم شامل فرماندهی متعدد است و هم‌نگاه منطقه‌ای به مصارف خمس دارد و نیز وظایف متعددی را برای متولیان امر به‌همراه دارد. براساس این ساختاربخشی از وجوهات جمع‌آوری شده در مناطق مختلف، در اختیار نمایندگان ولی فقیه قرار می‌گیرد و ایشان مبالغ مذکور را در منطقه خویش مصرف می‌نمایند. بخشی دیگر از وجوهات که جمع‌آوری شده است در اختیار ولی فقیه و مراجع معظم تقلید قرار می‌گیرد تا بتوانند در امور کلان و مربوط به کل کشور تصمیم‌گیری نمایند. در واقع براساس این ساختار در سطح مناطق صرفاً نمایندگان ولی فقیه هستند که وجوهات را به مصرف می‌رسانند، اما در سطح کلان علاوه هم ولی فقیه و هم سایر مراجع معظم تقلید هستند که وجوهات را به مصرف می‌رسانند. ساختار این الگو به شرح ذیل است:

جدول (۳): ماتریس سه‌بعدی منطقه، مخارج، ولی فقیه سایر مراجع

مراجع تقلید استان (مناطق)	ولی فقیه	سایر مراجع
کل کشور	<p>ولی فقیه</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر 	<p>مراجع معظم تقلید</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر

سایر مراجع	ولی فقیه	مراجع تقلید استان (مناطق)
-	<p>نماینده ولی فقیه در منطقه ۱</p> <ul style="list-style-type: none"> ساخت مسجد مجموعه‌های فرهنگی خدمات عام‌المنفعه کمک به رفع فقر 	منطقه ۱
-	"	منطقه ۲
-	"	منطقه ۳
-	"	منطقه ۴
-	"	و ...

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

- این ساختار نیز دارای نقاط ضعف و نقاط قوت عدیده‌ای است. از نقاط قوت این ساختار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱. در این ساختار حق‌الاماره بودن خمس به صورت روشن‌تری نشان داده شده است.
 ۲. نمایندگان ولی فقیه در مناطق مختلف حضور دارند و نیاز به ایجاد نهادهای جدیدی نیست.
 ۳. مصرف خمس به صورت منطقه‌ای سبب می‌شود که مؤدیان خمس با خدماتی که از طریق وجوه‌اتشان انجام می‌شود، بهتر آشنا شوند و به پرداخت خمس رغبت بیشتری نشان دهند.

۴. بسیاری از مزایایی که در بخش قبل در مورد ساختارهای منطقه‌ای مطرح گردید، در اینجا خود را نشان می‌دهد.

از مهم‌ترین ایرادهایی که ممکن است این ساختار داشته باشد، این است که مصرف وجوهات در مناطق، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، شناسایی اولویت‌ها و داشتن نگاه باز در حوزه فرهنگ دینی است. آیا در شرایط فعلی چنین ظرفیت‌هایی وجود دارد؟ طبیعی است که حتی اگر چنین شرایطی وجود نداشته باشد، لازم است جامعه به سمتی حرکت کند که بتواند چنین ظرفیت‌ها و ساختارهایی را درون خود ایجاد نماید.

✓ سایر ساختارها: گستره عظیم شیوه‌هایی که می‌توان در طراحی ساختار ایجاد کرد، حاکی از آن است که دایره وسیعی از ساختارهایی به‌مانند ساختارهای قبلی قابل طراحی است. آنچه تاکنون مطرح گردید، صرفاً بخشی از ساختارهایی است که با وضعیت فعلی منابع مالی اسلامی تطابق بیشتری دارد. لذا دایره نوآوری و ایجاد ساختارهای جدید بسیار وسیع است و از شیوه‌ها و روش‌های متعددی می‌توان در طراحی این ساختارها بهره‌جست. استفاده از سازوکارهای طراحی مکانیسم^{۱۷} و اصول مدیریت استراتژیک نمونه‌ای از این روش‌هاست.

۴-۵-۲. ساختار زکات

در حال حاضر نظام زکات تا حدود زیادی از ساختار فدرالی تبعیت می‌کند. وجوهات جمع‌آوری شده در هر منطقه جهت پروژه‌های عمرانی همان منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمن اینکه دولت نیز برای تشویق افراد به پرداخت زکات بیشتر، متعهد شده است که به‌همان مبلغی که مردم زکات می‌پردازند، خرج پروژه‌های عمرانی همان منطقه کند و این را تشویقی برای افراد تلقی می‌نماید.

۴-۵-۳. ساختار مالیات

نظام مالیاتی از حیث ساختاری به‌صورت متمرکز مدیریت می‌شود و در استان‌ها دارای سازمان‌هایی است که وظیفه جمع‌آوری وجوهات را به‌عهده‌دارند. اما در حوزه مصرف هیچ دخل و تصرفی ندارند و صرفاً درآمدهای به‌دست‌آمده را به خزانه کشور واریز می‌نمایند تا براساس بودجه سنواتی مورد استفاده قرار دهند. از آن‌جهت که بررسی مزایا و معایب شیوه‌های جمع‌آوری مالیات و مصرف درآمدها در کشور خارج از موضوع

این مقاله است، از ورود به این بحث خودداری می‌شود و فرض بر این است که ساختار مالیاتی کشور و ساختار بودجه‌ریزی کشور روند قبلی خود را طی می‌کند و صرفاً در برخی از موارد نیاز به تغییراتی دارد که ایجاد الگوی یکپارچه‌سازی را ممکن پذیر نماید.

۵. ارائه یک الگو: جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه‌بعدی مراجع تقلید، منطقه و وظایف

۱-۵. سازوکار الگو

رویکرد اصلی این سناریو، استفاده از ساختارهای منطقه‌ای چه در حوزه جمع‌آوری خمس و چه در حوزه مصارف آن است و روند قبلی در مورد مالیات و زکات پیش‌گرفته می‌شود. براساس این سناریو ولی‌فقیه و هر یک از مراجع معظم تقلید در هر یک از مناطق (که ممکن است استان، شهرستان یا بخش باشد)، نماینده‌ای تعیین می‌کند که این نماینده‌ها متولی جمع‌آوری وجوهای آن منطقه می‌شوند. این نمایندگان با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک با نظام مالیاتی، اطلاعات پرداخت‌کنندگان وجوهای شرعی را براساس نام مرجع تقلیدشان ثبت کرده و اطلاعات پرداخت را به نظام مالیاتی منتقل می‌نمایند. نظام مالیاتی مکلف می‌شود که براساس اطلاعات پرداختی شخص، او را مشمول معافیت مالیاتی به‌میزان پرداخت وجوهای شرعی نماید. از سوی دیگر نمایندگان ولی‌فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه براساس اجازه‌ای که از مراجع معظم تقلید و ولی‌فقیه دارند، بخشی از وجوهای جمع‌آوری‌شده را جهت مصرف در امور فرهنگی و اقتصادی استان نزد خود نگه‌داشته و بخشی دیگر از وجوهای را متناسب با میزان جمع‌آوری‌شده به نام هریک از مراجع معظم تقلید به دفتر ایشان منتقل می‌نمایند. به‌منظور جلوگیری از تلاش‌های موازی و مدیریت بهتر، نمایندگان ولی‌فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه، با تشکیل شورایی به‌منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هماهنگ، وجوهای را متناسب با پرداختی مناطق زیرمجموعه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی خصوصاً رفع فقر منطقه مورد استفاده قرار می‌دهند و مراجع معظم تقلید و ولی‌فقیه نیز براساس صلاح‌دید خویش این وجوهای را در حوزه‌های کلان و حتی گاهی منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌دهند. این شورا تعیین می‌کند که چه بخشی از وجوهای در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار گیرد و چه

بخشی از وجوهات در امور فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به اینکه شکل‌گیری نهاد موازی در رفع فقر باعث آسیب‌های فراوانی است، آنچه در حوزه رفع فقر و وظایف اقتصادی مطرح گردید، می‌تواند در جهت تأمین مالی کمیته امداد امام خمینی (ره) آن منطقه مورد استفاده قرار گیرد.

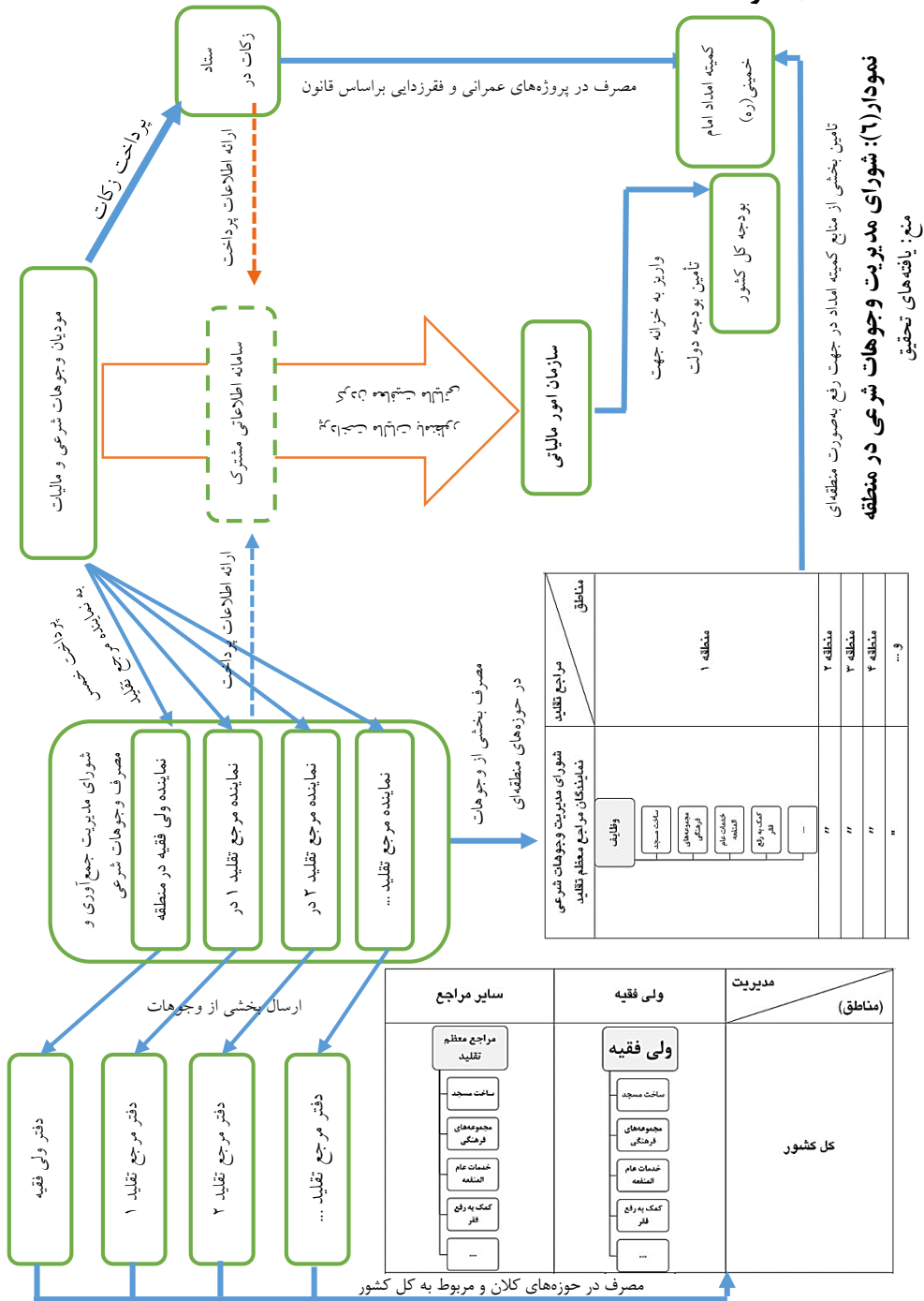
۲-۵. مؤلفه‌های اصلی

جدول (۴): مؤلفه‌ها و مشخصات

معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات.	از حیث نوع تخفیف در مالیات
نمایندگان ولی فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه زیر نظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه خمس را جمع‌آوری می‌کنند.	از حیث مرجع جمع‌آوری‌کننده
دولت مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند.	
ساختار منطقه‌ای در حوزه جمع‌آوری خمس زیر نظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه.	از حیث ساختار جغرافیایی
ساختار متمرکز در جمع‌آوری مالیات.	
ساختار منطقه‌ای در حوزه زکات (روند فعلی).	
پرداخت‌کنندگان خمس و زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد و مالیات بر ارث می‌شوند.	از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف
مصرف خمس در منطقه: نمایندگان ولی فقیه و مراجع معظم تقلید با تشکیلی شورای مدیریت وجوهات شرعی در مناطق، بخشی از وجوهات را در حوزه‌های فرهنگی مصرف کرده و بخشی دیگر را به منظور رفع فقر در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌دهند.	از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات
مصرف خمس در کل کشور: مراجع معظم تقلید و ولی فقیه بخش دیگر خمس را در حوزه‌های کلان فرهنگی و براساس صلاحدید مورد استفاده قرار می‌دهند.	
مصرف زکات: در پروژه‌های عمرانی و رفع برطبق قانون.	
مصرف مالیات: واریز به خزانه در جهت تأمین مالی بودجه کشور.	
ساختار ماتریسی سه‌بعدی مراجع معظم تقلید - فدرالیسم مالی - وظایف.	
	از حیث ساختار

منبع: (کاشیان، ۱۳۹۴)

۳-۵. ساختار الگو



۵-۴. ابزارهای سیاستی

یکی از مهم‌ترین ارکان ساختار جدید، منعطف بودن آن و امکان سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف است. ساختار فعلی دارای سازوکارهایی است که به سیاست‌گذاران امکان می‌کند برای تنظیم امور در شرایط مختلف برنامه‌ریزی کرده و سیاست‌گذاری نمایند. این ابزارها به شرح ذیل هستند:

۱. بخشی از وجوهات توسط مراجع معظم تقلید و ولی فقیه و بخشی دیگر توسط شورای نمایندگان ولی فقیه و مراجع معظم تقلید در مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد. اینکه چند درصد از این وجوهات در دست نمایندگان ولی فقیه و مراجع تقلید باشد و چند درصد در اختیار مراجع معظم تقلید و ولی فقیه قرار گیرد، موضوعی است که می‌تواند به‌عنوان معیاری برای سیاست‌گذاری باشد. ممکن است هر یک از مراجع تقلید درصد معینی را برای این امر تعیین نمایند.
۲. اینکه چند درصد از وجوهات در اختیار کمیته امداد قرار گیرد و چند درصد در امور فرهنگی یکی دیگر از ابزارهای سیاستی است که ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد.
۳. محاسبه معافیت مالیاتی بر مبنای درصدی از مجموع مبلغ پرداختی خمس: همان‌طوری که در بخش قبلی نیز بیان شد، سیاست‌گذاران این امکان را دارند که به‌جای ایجاد معافیت مالیاتی معادل مبلغ پرداختی خمس، بخش یا درصدی از آن را مدنظر قرار دهند. مثلاً سیاست‌گذاران اعلام کنند که تنها ۷۰ درصد از کل مبلغ خمس را به‌عنوان معافیت مالیاتی قبول می‌نمایند. این ابزار سیاستی در شرایط مختلفی کاربرد دارد:
 - ✓ ممکن است برخی از افراد بخواهند برای فرار از مالیات، کل مبلغ مالیاتی خود را به‌صورت خمس و زکات پرداخت کرده و معادل آن معافیت مالیاتی بگیرند. تعیین درصدی از خمس یا زکات به‌عنوان معافیت مانع از انجام چنین کاری می‌شود.
 - ✓ این ابزار می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای سیاست انبساطی یا انقباضی دولت کارایی داشته باشد.

۴. استفاده از هزینه قابل قبول بجای معافیت مالیاتی: ممکن است سیاست‌گذاران ترجیح دهند در ابتدای امر و برای برآورد شرایط جامعه ترجیح دهند به جای ایجاد معافیت مالیاتی، مبالغ خمس و زکات را صرفاً به‌عنوان هزینه قابل قبول بپذیرند.

۵-۵. مزایا و معایب

از مزایای ساختار فوق این است که:

۱. بسیاری از مزایای ساختار منطقه‌ای از قبیل افزایش رقابت بین مناطق، سازگاری بین عرضه و تقاضای کالاهای عمومی، امکان کاهش فساد، رشد اقتصادی بالاتر و کاهش اندازه اقتصاد سایه، کارایی فرایندی و پیامدی بالاتر، کاهش مسأله سواری مجانی، مقایسه آسان بین مناطق و وجود گزینه خروج، بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان، تمرکززدایی در ساختار سیستم اجرایی کشور و مردمی کردن اقتصاد و ثبات پایدار در این حوزه به‌وجود می‌آید.
۲. حوزه فرهنگ خصوصاً حوزه‌هایی از فرهنگ دینی که دولت ناکارآمدی خود را در پیشبرد آن نشان داده است، مورد حمایت قرار می‌دهد.
۳. ساختار جدید باعث تقویت جایگاه مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه می‌شود.
۴. امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در حوزه فرهنگ دینی را توسط متخصصان این امر یعنی حوزه‌های علمیه و مراجع معظم تقلید فراهم می‌آورد.
۵. بخشی از وجوهات خمس و زکات که عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند، در همین مسیر مورد استفاده قرار خواهند گرفت.
۶. (حداقل در بلندمدت) این امکان وجود دارد که کمیته امداد امام خمینی (ره) که پیش‌ازین برای مصارف خود دچار کسری بودجه می‌شد، بتواند از این طریق نیازهای خود را به‌صورت کامل برطرف نماید.
۷. مشکل کشورهای اسلامی در بهره‌گیری از وجوهات شرعی این بود که در شیوه توزیع نهادی تخصصی برای رفع فقر وجود نداشت و عمدتاً رفع فقر به‌صورت موقت و از طریق کمک‌های مستقیم صورت می‌گیرد. در سناریوی پیشنهاد شده کمیته امداد امام خمینی (ره) به‌عنوان نهاد متولی رفع فقر و توانمندسازی در کشور

وجود دارد که وجوهات نیز از طریق همین نهاد در بین فقرا مورداستفاده قرار گرفته و بیشتر در جهت توانمندسازی و کمک‌های بلندمدت مورداستفاده قرار می‌گیرد.

۸. ساختار با بهره‌گیری از سامانه اطلاعاتی مشترک از بروکراسی رنج نخواهد برد.

از معایب ساختار فوق این است که:

۱. در سناریوی فعلی شورایی شکل می‌گیرد که نمایندگان هریک از مراجع معظم تقلید نیز در آن حضور دارند. تکثر تصمیم‌گیرندگان هرچند بر قوت تصمیمات می‌افزاید، اما فرآیند تصمیم‌گیری را باکندی و دشواری مواجه می‌سازد. خصوصاً اینکه هر یک از نمایندگان مراجع تقلید ممکن است از لحاظ مالی خود را مستقل تلقی نمایند.

۲. در سناریوی فعلی هرچند در باطن امر خمس حق‌الاماره محسوب می‌شود، اما از لحاظ ساختاری و مدیریتی هرگز چنین تلقی به وجود نمی‌آید.

۵-۶. ملاحظات ساختار

در مورد ساختار فوق و شیوه اجرایی کردن آن ملاحظاتی وجود دارد که به دلیل شباهت زیاد سناریوی ششم با سناریوی چهارم و پنجم، مجدداً همان ملاحظات در اینجا نیز تکرار می‌شود.

۱. اینکه ولی‌فقیه و مراجع تقلید و نمایندگان ولی‌فقیه با چه سازوکاری در حوزه فرهنگ دخالت کنند (پشتیبان، سیاست‌گذار و یا ورود مستقیم) موضوعی است که عمده‌تاً در حوزه ارتباطات و مدیریت فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و ممکن است برای هریک از ایشان که در سناریوی چهارم مورد تأکید قرار گرفته‌اند، نوع دخالت و نقش متفاوتی در نظر گرفته شود. رساله حاضر صرفاً به بیان کلیاتی در این حوزه اکتفا کرده و پاسخ به این سؤال را به متخصصان امر واگذار می‌نماید. اما به این نکته تأکید دارد که در هر نقشی که در نظر گرفته شود، وجوهات شرعی بر اساس ساختار فوق توانایی رفع نیازهای مالی را دارد.

۲. اجرایی کردن چنین ساختارهایی نیاز به زمان و حرکت تدریجی دارد و طبیعی است که امکان ندارد ظرفیت‌های مصرفی در حوزه فرهنگ را به یک‌باره در

حوزه‌های علمیه ایجاد کرد. لذا با در نظر گرفتن چنین ساختاری در بلندمدت و برنامه‌ریزی برای دسترسی به آن در آینده لازم اصلی تحرک در این زمینه است.

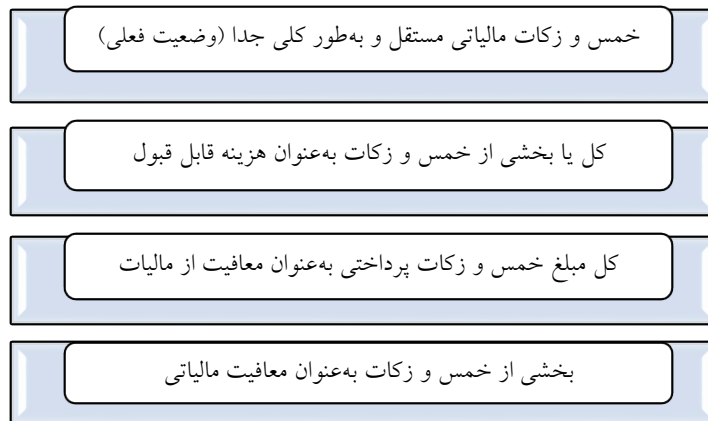
۳. پیشنهاد می‌شود اجرایی کردن چنین ساختاری، در دو یا سه منطقه به صورت آزمایشی صورت گیرد و آسیب‌ها و مشکلات احتمالی آن شناسایی شود.

۴. از آنجاکه حوزه فرهنگ و کمک به فقرزدایی دغدغه بسیاری از مردم است، شفاف‌سازی خدمات ارائه‌شده توسط مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه در این حوزه سبب می‌شود که اولاً اشتیاق و علاقه زیادی نسبت به پرداخت وجوهات شرعی به وجود آید و ثانیاً فضا سازی معاندین و افراد ناآگاه بر علیه حوزه‌های علمیه را از بین خواهد برد و نهایتاً شفاف‌سازی از آنجاکه منجر به از بین رفتن فساد در سیستم می‌شود، اعتماد بسیار زیادی را ایجاد می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این مقاله بررسی و احصا مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران است. بررسی‌های این مقاله نشان داد که در طراحی چنین الگویی لازم است حداقل در مورد شش مؤلفه تصمیم‌گیری شود. هر مؤلفه دارای شقوق مختلفی است که از کنار هم قرار گرفتن هریک از این شقوق، الگویی به دست می‌آید. این مقاله ضمن معرفی مؤلفه‌های شش‌گانه یک الگوی نمونه‌ای را که می‌تواند از کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها به دست آید معرفی کرد. مؤلفه‌های شش‌گانه این مقاله به شرح ذیل است:

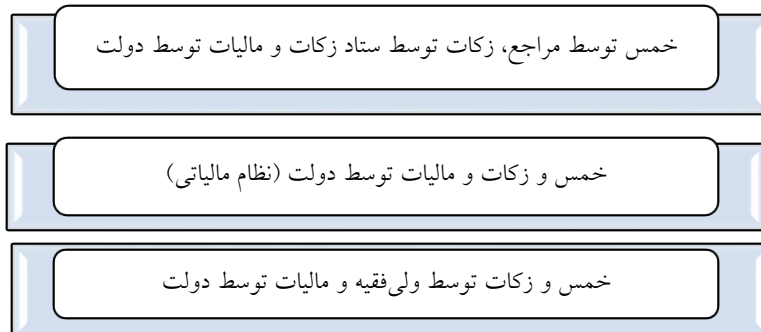
۱. از حیث نوع معافیت مالیاتی می‌توان با بهره‌گیری از قانون معافیت‌های مالیاتی، سه نوع بخشودگی در حوزه مالیات‌های مختلف ترسیم کرد؛ که این سه نوع بخشودگی می‌تواند به منظور حمایت، تشویق، هزینه، جلوگیری از پیچیدگی مالیاتی، بازتوزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف مورد استفاده قرار گیرد. در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌نوع معافیت و بخشودگی برای خمس و زکات در نظر گرفته نشده است. نمودار ذیل این سه نوع معافیت و وضعیت فعلی را نشان می‌دهد:



نمودار (۷): شیوه‌های بخشودگی مالیاتی

منبع: دستاوردهای تحقیق

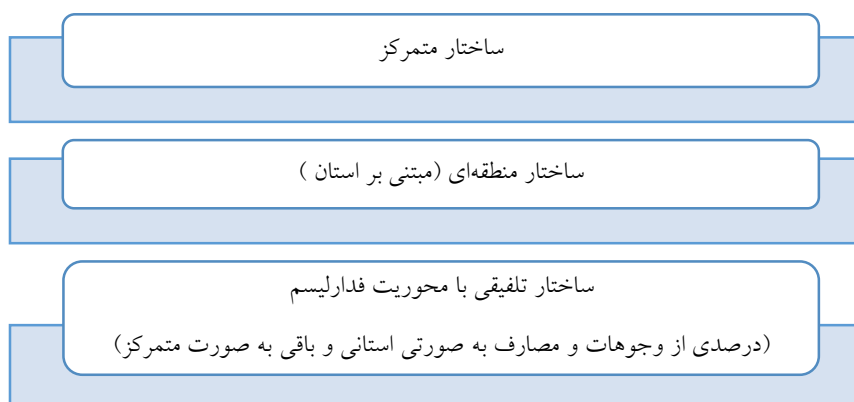
۲. از حیث مرجع جمع‌آوری‌کننده، با توجه به اینکه پیش‌فرض اصلی این مقاله این بود که خمس و زکات تعلق به حاکم جامعه اسلامی دارد و سایرین با توجه به اجازه ایشان می‌توانند در این وجوهات تصرف کنند، سازوکاری را طراحی نمودیم که از حیث جمع‌آوری زکات و خمس مفید باشد. بر این اساس از حیث شیوه جمع‌آوری وجوهات شقوق مختلفی قابل‌تصور است که ما به‌برخی از مهم‌ترین آنها اشاره کردیم و مزایا و معایب هر یک را مورد بررسی قرار دادیم. این شقوق به‌شرح ذیل هستند:



نمودار (۸): شیوه‌های جمع‌آوری خمس، زکات و مالیات

منبع: دستاوردهای تحقیق

۳. از حیث ساختار جغرافیایی با توجه به مزایایی که برای ساختار منطقه‌ای در نظر گرفته شده است، سه نوع طراحی می‌توان از حیث جغرافیایی ارائه داد که هرکدام از آنها می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر طراحی الگوی یکپارچه‌سازی داشته باشد. این سه ساختار به شرح ذیل است:



نمودار (۹): ساختارهای جمع‌آوری و مصرف منابع

منبع: دستاوردهای تحقیق

۴. از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف بیان گردید که صرفاً مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد است که افراد می‌توانند مشمول تخفیف مالیاتی قرار گیرند.
۵. از حیث مصارف خمس و زکات رویکردهای متعددی مطرح گردید. در حوزه فرهنگ مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه می‌توانند از سویی به‌عنوان تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس ورود پیدا کنند و از سوی دیگر می‌توانند براساس رویکردهای خادمانه، رویکرد بازدارنده، رویکرد اقتضایی، رویکرد نظارتی، رویکرد حمایتی، رویکرد ضمانتی و رویکرد خنثی در این عرضه ورود پیدا کنند. در مجموع برای مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه سه رویکرد سیاست‌گذارانه، بسترساز، پشتیبان و برنامه‌ریز و نیز یک‌نهاد اجرایی را می‌توان در نظر گرفت. با فرض اینکه این نگاه صحیح باشد، منابع مالی حوزه‌های علمیه می‌تواند از این بخش تأمین شود.

سیاست‌گذار

بسترساز، پشتیبان و برنامه‌ریز

نهاد اجرایی (ورود مستقیم به حوزه فرهنگ)

نمودار (۱۰): شیوه ورود مراجع معظم تقلید به حوزه فرهنگ

منبع: دستاوردهای تحقیق

- هم‌زمان در حوزه رفع فقر نیز مراجع معظم تقلید می‌توانند از دو مکانیسم بهره‌گیرند که مقاله حاضر براساس دلایلی مکانیسم اول را ترجیح داد:
- ✓ بهره‌گیری از ظرفیت‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی.
 - ✓ ایجاد نهاد موازی برای رفع فقر در کنار سایر نهادها.
۶. از حیث ساختار نیز چهار ساختار مختلف بیان گردید که کلیات این ساختارها به شرح ذیل است:
- ✓ ساختار ماتریسی دو بعدی: مراجع تقلید (بعد افقی) و وظایف یا محصول (بعد عمودی).
 - ✓ ساختار ماتریسی سه بعدی: مراجع تقلید - وظایف یا محصول - فدرالیسم.
 - ✓ ساختار ماتریسی سه بعدی ولی فقیه و مراجع معظم تقلید - فدارلیسم مالی - وظایف.
 - ✓ سایر ساختارها.

از کنار هم قرارگرفتن مجموعه مؤلفه‌هایی که بدان اشاره گردید، ساختارهایی قابل‌تصور است که تعدد آنها بسیار زیاد است. در این مقاله یک نمونه از این الگوها شامل «الگوی جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه‌بعدی مراجع تقلید، منطقه و وظایف» موردبررسی قرار گرفت.

در بخش پایانی مقاله نمونه‌ای از این الگوها را مطرح کردید. در این الگو از ساختار منطقه‌ای در مورد خمس استفاده شده است. براساس این رویکرد ولی‌فقیه و مراجع معظم تقلید در هر یک از مناطق، نماینده‌ای برای جمع‌آوری وجوهات آن منطقه می‌گمارند. نمایندگان با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک با نظام مالیاتی، اطلاعات پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را براساس نام مرجع تقلیدشان ثبت کرده و اطلاعات پرداخت را به نظام مالیاتی منتقل می‌نمایند. نظام مالیاتی او را مشمول معافیت مالیاتی به‌میزان پرداخت وجوهات شرعی نماید. از طرف دیگر نمایندگان ولی‌فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه براساس اجازه‌ای که از مراجع معظم تقلید و ولی‌فقیه دارند، بخشی از وجوهات جمع‌آوری شده را جهت مصرف در امور فرهنگی و اقتصادی منطقه نزد خود نگه‌داشته و بخشی دیگر از وجوهات را متناسب با میزان جمع‌آوری شده به نام هریک از مراجع معظم تقلید به دفتر ایشان منتقل می‌نمایند. به‌منظور جلوگیری از تلاش‌های موازی و مدیریت بهتر، نمایندگان ولی‌فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه، با تشکیل شورایی به‌منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هماهنگ، وجوهات را متناسب با پرداختی مناطق زیرمجموعه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی خصوصاً رفع فقر منطقه مورداستفاده قرار می‌دهند و مراجع معظم تقلید و ولی‌فقیه نیز براساس صلاحدید خویش این وجوهات را در حوزه‌های کلان و حتی گاهی منطقه‌ای مورداستفاده قرار می‌دهند. این شورا تعیین می‌کند که چه بخشی از وجوهات در اختیار کمیته امداد امام خمینی(ره) قرار گیرد و چه بخشی از وجوهات در امور فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به اینکه شکل‌گیری نهاد موازی در رفع فقر باعث آسیب‌های فراوانی است، آنچه در حوزه رفع فقر و وظایف اقتصادی مطرح گردید، می‌تواند در جهت تأمین مالی کمیته امداد امام خمینی(ره) آن منطقه مورداستفاده قرار گیرد. ساختار ارائه‌شده براساس مؤلفه‌ها به شرح ذیل است:

جدول (۵): مؤلفه‌ها و مشخصات

از حیث نوع تخفیف در مالیات	معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات.
از حیث مرجع جمع‌آوری‌کننده	نمایندگان ولی فقیه و مراجع معظم تقلید در منطقه زیرنظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه خمس را جمع‌آوری می‌کنند.
	دولت مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند.
از حیث ساختار جغرافیایی	ساختار منطقه‌ای در حوزه جمع‌آوری خمس زیرنظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه.
	ساختار متمرکز در جمع‌آوری مالیات.
	ساختار منطقه‌ای در حوزه زکات (روند فعلی).
از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف	پرداخت‌کنندگان خمس و زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد و مالیات بر ارث می‌شوند.
از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات	مصرف خمس در منطقه: نمایندگان ولی فقیه و مراجع معظم تقلید با تشکیلی شورای مدیریت وجوهات شرعی در مناطق، بخشی از وجوهات را در حوزه‌های فرهنگی مصرف کرده و بخشی دیگر را به منظور رفع فقر در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌دهند.
	مصرف خمس در کل کشور: مراجع معظم تقلید و ولی فقیه بخش دیگر خمس را در حوزه‌های کلان فرهنگی و براساس صلاحدید مورد استفاده قرار می‌دهند.
	مصرف زکات: در پروژه‌های عمرانی و رفع برطبق قانون.
	مصرف مالیات: واریز به خزانه در جهت تأمین مالی بودجه کشور.
از حیث ساختار	ساختار ماتریسی سه‌بعدی مراجع معظم تقلید - فدرالیسم مالی - وظایف.

منبع: دستاوردهای تحقیق

در ادامه نقاط قوت و ضعف این سناریو مورد بررسی قرار گرفت. اما اینکه از بین سناریوهای زیادی که وجود دارد، چرا این سناریو انتخاب شده است، سؤالی است که

بی پاسخ می ماند. چراکه اولاً هدف و نوآوری این مقاله معرفی مؤلفه های شش گانه ای بود که برای طراحی الگو لازم هستند و اصلاً انتخاب الگو مدنظر نبوده است. ثانیاً الگوی معرفی شده صرفاً نمونه ای از الگوهای متعددی است که می تواند ارائه شود و معرفی آن از این حیث بوده که هدف اصلی مقاله و کارکردهای مؤلفه های شش گانه برای تصمیم گیری در آینده را بهتر ترسیم نماید. ثالثاً معرفی الگوی برتر مستلزم بررسی های دقیق تر و استفاده از روش های کمی و کیفی است و در این مقاله نمی گنجد.

یادداشت ها

۱. سایت نظام مالیاتی ایران، بخش قوانین: <http://intamedia.ir/laws/showsearch.aspx>
۲. دسته بندی ارائه شده در این بخش از مقاله رضایی و موحدی بک نظر (۱۳۹۱) گرفته شده است.

3. Shadow Economy
4. Process Efficiency
5. Output Efficiency or Outcome Efficiency
6. Process Efficiency
7. Output Efficiency or Outcome Efficiency
8. Calyz & Jones

۹. وَ قَدْ اسْتَفَاكَ آمْرَهُمْ.

۱۰. آبادانی زمین های آنان سبب می شود که آنچه برعهده آنان گذاری بپذیرند.

۱۱. لَانِ النَّاسِ كَلِمَةُ عِيَالٍ عَلَى الْخِرَاجِ وَ اهله.

۱۲. منظور از سطوح دولت، عرصه فعالیت دولت در حوزه های مختلف است. سطوح دولت در حوزه فرهنگ به معنای مرتبه و جایگاهی است که دولت در امر فرهنگ به تصمیم گیری و تصمیم سازی می پردازد.

13. Policy Making
14. Planning
15. Implementation
16. Al-Dofat
17. Mechanism Design

کتابنامه

اسماعیل پوردره، مهدی (۱۳۸۷). الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

- اسماعیل پوردره، مهدی (۱۳۹۲). نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ثامنی کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷). محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- حسینی، سیداحمد (۱۳۸۴). طرح ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی. تهران: کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- راسخ، علی‌احمد (۱۳۸۶). خمس چالش‌ها و راهکارها (بخش چهارم: شیوه‌های دریافت مالیات در اقتصاد اسلامی). مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی.
- رضایی، محسن (۱۳۸۹). فدرالیسم اقتصادی. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رضایی، محمدقاسم؛ و سبزو، محبوبه (۱۳۹۱). ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد. پژوهشنامه مالیات. ۱۶(۶۳)، ۱۲۵-۱۵۲.
- الدفتر، ریچارد (۱۳۷۷). تئوری و طراحی سازمانی (علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، مترجمان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زمانی‌فر، حسین (۱۳۸۲). ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- شعبانی، احمد؛ و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). اثر بازتوزیع زکات بر رفع فقر و کاهش ضریب جینی ایران. همایش همگرایی مالیات‌های اسلامی و متعارف، قم، ایران.
- شعبانی، احمد (۱۳۹۳). بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۰۸ق). علل الشرایع (الجزء ۲). بیروت: مؤسسه الاعلمی، الطبعة الاولى.
- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (الجزء ۲، الزکاة، تحقیق العلامة الشیخ محمد جواد الفقیه). بیروت: دارالاضواء، الطبعة الثانية.

فرخی، میثم (۱۳۹۳). الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران. (رساله دکتری). دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

قرآن کریم.

کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران. (رساله دکتری). دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

کالیس، جان‌جی؛ و آرجونز، فیلیپ (۱۳۸۸). مالیه عمومی و انتخاب عمومی (جلد ۲) (الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی، مترجمان) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

معینی‌نیا، مریم (۱۳۹۴). سیره اداری امام علی(ع). تهران: انتشارات امیرکبیر.
موحدی‌بک‌نظر، مهدی؛ و رضائی، محمدجواد (۱۳۸۹). تمرکززدایی مالی و اقتصاد اسلامی؛ برخی ملاحظات نظری در باب مالیات‌ستانی و تخصیص بودجه. همایش مالیات‌های اسلامی و متعارف، قم، ایران.

موحدی‌بک‌نظر، مهدی؛ و رضائی، محمدجواد (۱۳۹۱). ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسوی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۲۰(۶۳)، ۱۵۳-۱۷۳.

موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). حکومت اسلامی یا ولایت فقیه (چاپ ۹). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۴ق). تحریرالوسیله. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ق). البیع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

ناجی، علی‌اکبر؛ مرتضوی‌کاخکی، مرتضی؛ و ارشدی، وحید (۱۳۹۱). روش پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی در قوانین مالیاتی عصر حاضر؛ مورد مطالعاتی مالزی و عربستان. مجموعه مقالات پنجمین همایش مالیات‌های اسلامی، تهران، ایران.

- Adamovich, I. B., & Hosp, G. (2003). Fiscal Federalism for Emerging Economies: Lessons From Switzerland?. *Publius: The Journal of Federalism*, 33(1), 1-21.
- Arikan, G. G. (2004). Fiscal Decentralization: A Remedy for Corruption?. *International Tax and Public Finance*, 11(2), 175-195.
- Ashworth, J. O. H. N., Galli, E., & Padovano, F. (2009). Government Decentralization and Public Spending Programs. In *XXI Conference of the Italian Society of Public Economics*.
- Brown, C. V., & Jackson, P. M. (1990). *Public Sector Economics*, Cambridge: Blackwell.
- Brueckner, J. K. (2006). Fiscal Federalism and Economic Growth. *Journal of Public Economics*, 90, 10-11.
- Buchanan, J. M., & Musgrave, R. A. (1999). *Public Finance and Public Choice: Two Contrasting Visions of the State*. Mit Press.
- Calyz, J. J., & Philip, R. J. (2009). *Economics of Public Sector*, Vol. 2, (Elias Naderan, Arash Islami, and Ali Cheshmi, Translator) Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities.
- Daft, R. L., Murphy, J., & Willmott, H. (2010). *Organization Theory and Design*. Cengage Learning EMEA.
- Eichenberger, R., & Stadelmann, D. (2010). How Federalism Protects Future Generations From Today's Public Debts. *Review of Law & Economics*, 6(3), 395-420.
- Esmailpour, M. (2008). A Suitable Model for Zakat Financial Institutions in the Islamic Republic of Iran, Master's Thesis for Imam Sadiq University (as), Tehran.
- Gelb, A. H. (1988). *Oil Windfalls: Blessing or Curse?* Oxford University Press.
- Gerring, J., & Thacker, S. C. (2004). Political Institutions and Corruption: The Role of Unitarism and Parliamentarism. *British Journal of Political Science*, 34(2), 295-330.
- Hoseini, S. A., (2005). The Plan of Organizing the Cultural Activities of Cultural Institutions and Offices of the Government, Cultural Commition of Supreme Council of the Cultural Revolution. (In Persian).
- Kashian, Abdolmohammad (2010). Evaluation of Zakah and Khoms Sufficiency in Providing Subsistence Level of Life for Iranian Poor Families, Master's Thesis, Imam Sadiq University(as). (In Persian).
- Mosavi Khomeini, R. (1984). *Tahrirrol Vasilah*, Islamic Publication Inistitiution, Qom, Iran. (In Persian).
- Mosavi Khomeini, R. (2014), *KetabolBeya*, Qom, Esmaeilian Inistitution, Iran. (In Persian).
- Movahedi Beknazar, M., & Rezaei M, J., (2012). The Relationship Between the Islamic and Conventional Tax Systems in Islamic. Iranian Development

- Model Implications for Solving Double Payments Problem. Tax Research. 20 (15). (In Persian).
- Movahedi Beknazar, M., & Rezaei, M. J., (2010). Financial Decentralization and Islamic Economics; Some Theoretical Considerations About Tax and Budget Allocations; Islamic and Conventional Tax Conference; Mofid University of Qom, Iran. (In Persian).
- Naji, A. A., Mortazavi Kakhki, M., Arshadi, V., (2012). The Method of Implementing Islamic Taxes in Current Tax Laws: Case Study of Malaysia and Saudi Arabia, the 5th Islamic Taxation Conference Articles: Islamic State's Financial Requirements and, Tarbiat Modarres University. (In Persian).
- Rasekh, A. A., (2007). Khoms, Islamic Promotion Organization of Razavi Khorasan Province, Iran.
- Rezaee, M., (2010). Economics Federalism, Expediency Discernment Council, Tehran, Iran. (In Persian).
- Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn al-Hussein ibn Bubawiye al-Qomi, (1413 AH 1992). Man La Yahzdar al-Faqih, Part2, Al-Zak'a, Al-Zawa'a al-Zahra, al-iqaq al-Muqaqi, Beirut. (In Persian).
- Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn al-Hussein ibn Bubawiye al-Qomi (1413 AH 1987). Elal al-Sharayeh, part 2, Beirut, Lebnan, al-alami Inistitiution. (In Persian).
- Samani Kivani, f., (1998). The Determination Potential Capacity of Zakt in Iran, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian).
- Shabani, A., Kashian, A., (2007). Investigating the Effects of Khums and Zakat on Poverty Reduction and Designing the Mechanism for Interance of Khums and Zakat in the Tax System and Its Redistribution Way with Emphasis on the Islamic-Iranian Progress Model. (In Persian).
- The Holy Quran.
- Tullock, G., Brady, G. L., & Seldon, A. (2002). *Government Failure: a Primer in Public Choice*. Cato Institute.
- Zamanifar, H., (2003). Evaluation and Calculation of Zakat's Potential in Poverty Alleviation in Selected Provinces. (In Persian).